

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ بهایی کاشانی
میراز روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

سپهرالملکین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه
طهران ۳۰ فران
سایر بلاد داخله ۳۵ فران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانك
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان مطری
دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

در شب ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۹ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۸ ژوئیه ۱۹۰۷ میلادی

(تکلیف و کلاه)

وکیل باید صاحب هوش و ذکاوت فطری باشد وکیل
باید دانای یرموز بلتیک و واقف بمواقف عصر باشد ،
وکیل باید امین و وطن پرست و ملت خواه باشد ، وکیل
باید فدائی اسلام و جان نثار ملت باشد ، وکیل باید
صاحب قوه دماغی و افکار عالیه و خیالات صائبه باشد ،
وکیل باید صرفه حال موکلین و مملکت را بر سلطنت هفت
اقلیم و پنج قطعه کره زمین ترجیح بدهد ، وکیل باید
در قسم اول راستی و صداقت و در قسم دوم کشتن از جان
و مال و در قسم سیم جرئت و جرات و در قسم چهارم عقل
و تدبیر را وجه عمت ساخته تا به مجلس رسد در هر قدمی
یک مرحله از مراحل انسانیت را طی کرده در آخر قدم
انسان کامل وارد مجالس شود ، وکیل باید مثل کوه یا
برج از هر باد نلرزد و از یک تعارف شیفته و فریفته نگردد
، وکیل باید حفظ مقام مذبح و کالت را بر تمام عالم مقدم
بداند و اداء تکالیف لارمه را واجب هوری بشمارد و
کوتاهی در وظائف را تالی مرتبه کفر بشناسد ، هر
کس باین وظائف رفتار نمود و در عین آنکه زبده مملکت
است خود را با سایر افراد ملت یکسان و مساوی شمرد و
در راه حفظ حقوق بی اختیار دل بردریا زد و بیباکانه
سخن حق و رای صواب را آشکار کرد و از عمارت
بهارستان تمام مملکت نیت خود را در حسن خدمت رسانید او است
وکیل محترم دار الشوری ملی ، اوست که وجودش مقدس
و شخصش محترم است او است که ملت با تمام قوه و همه
استطاعت خود در فرمایشات و اوامرش حاضر و فرمانبردارند
او است که خاک پایش را کحل الجواهر دیدگان میسازند ، او است

که مقدمش را آیت رحمت آسمانی میدانند — نه آنکس که
دست پرورده خان نعمت مستبدین است و مطیع خیالات
مفسدین شب در خانه حضرت اشرف خلوت میکند و روز
در منزل نواب والا مشرف میشود و دستوراز جناب اجل
میگیرد ، و برات حواله صادر میکند و چهار بار در حضور
خاتین تعظیم میکند و در آن محضر کفر اثر بر ضد
مشروطیت تمهیدات میکند توقیف فلان و بهمان روزنامه تعطیل این
اداره و آن کارخانه ، بستن فلان انجمن و اخراج بهمان
فدائی وطن را بر ذمه نامردی و بد نفسی خود میگیرد سعی
نمیکند جز در خرابی وطن قدم نمیزند مگر در انهدام بنیان عدل
خوب امتیاز بین ایندو را از چه راه باید داد و خوب
و بد را با چه وسیله باید جدا کرد آلت ممیزه چیست و
کاشف اسرار نهان کدام است
همان آلت طبیعی و افزار خدا داد که برای کشف
نیات و اظهار خیالات باطنی خداوند متعال در شخص انسان
خلق کرده است و منت عظیم بواسطه آن بر ذمه فرزندان
انسان نهاده و او را باین نعمت بر سایر مخلوق مزیت و
کرامت بخشیده
آن نعمت زبان و عطیه نطق و بیان است که باطن
هر کس را ظاهر سازد و افکار هر (امین و خائن) را
نشان دهد و بر علمیان حسن و قبح نیت صحت و
فساد باطن را مکتوب نماید مقام و رتبه گوینده را در نزد
عالم و عالمان معلوم کند بلی
(نامرد سخن نگفته باشد)

(عیب و هنرش نهفته باشد)
از سخن است که يك نفر نيك نام و بلند آوازه
میگردد و دیگری رسوا و بدنام میشود این يك از يك

نفاق در بار بای انتخاب بر فرق فرقدان مینهد و آن دیگر از يك سخن ناسازگار مردود خاص و عام میگرد -

امروز سی کرور نفوس ایران جدا و هزار کرور نفوس اهل زمین تفتنا بطرف اطاق بهارستان متوجه و ناظرند و نفاق و بیان و کلاء ملت ایران را مستمع و باذره بین خرد که معیار زشت و زیبا است نیک و بد را تمیز میدهند و سوء نیت و حسن نطرت هر گوینده را از کلامش استنباط میکنند و از حرف روز حکم مجالس هبانه را مشخص میکنند و میزان قوت نفس و جلالت و پر مغزی و وسعت افکار هر کس را بدست میاورند و در فضاء کره ارض بقوسط جرائد منتشر میسازند و ستونهای جرائد را از تعریف یا مذمت پر میکنند - چه سعادت مند است کسی که بایک صفای باطن و رقت کلام و لطف بیان محبت و اخلاص يك ملت را بطرفی خود جلب کند و چه با شقاوت است آنکه بيك سخن بیجا و حرفی غرض آمیز قلب يك ملت را از خود مترجرو متفرسازد (المرء باصغریه قلبه ولساه) یعنی تمام کیفیات مرد و همه حیثیات او از عزت و ذلت و شرف و هتک و مال و ثروت و فقر و . . . بسته بدو چیز اوست که از همه اعضاء و جوارح کوچکتر و بظاهر بیقدرتر است اول قلب دومی لسان شخص با شرفی غیور را قلبی لازم است که از هجوم تمام بیایات عالم متزلزل نشود و از دشمنی جهانیان نهراسد و از کز کوهها از هم نباشد سلطان مملکت بدن یعنی قلبش بر سریر استقرار متمکن باشد چه خوب گفته علاء الدین جوینی

اذ ادکت جبال الارض دكا تری منی فؤادا مستقراً یعنی هر وقت کوههای زمین بیاشد در من جز قلب آرام مستقر مشاهده نخواهد کرد - مرد باید از بادهای مخالف فلرز و از طوفانهای غیر مساعد هراس بدل راه ندهد ، مرد باید جگر شیر داشته باشد تا وجودش منشاء اثر و نخل حیثیتش با ثمر گردد و گرنه هر جیان ترسوی بی عرضه جز ضعف نفس و نفاق و مدامته و عجز و لابه در صند و آنچه خاطر ندارد ، از هر باد فلرز و بیک تشر از میدان بیرون رود و زبان التماس و لابه برگشاید -

بیانك بلند میگویم و بر مال عالم مفاخرت میکنم امروز بحمد الله در میان و کلاء ماذواتی هستند مقدس که بقوت قلب و شهادت نفس و وسعت افکار و دماغ عالی چارای مقام بلند و رتبه ارجمندند زبان شیرینشان در هر حرکت خروارها درو کوه میریزد و دهانشان در هر باز شدن جواهرها تار میکند و ابدان مریض ملت را هوای نافع و درمان سودمند میدهد - در حق مستبدان و پادشاهان برندم تر از همشور آبدار و در باره ضطاء و فتنه ها چیرین تر از قند مکرر و خوشتر از لؤلؤ تر ،

جان گذشتگانی که در راه حصول سعادت ملت نقد جان عزیز بر کف گرفته و در طریق خوشبختی ایرانیان پشت پا بردنیا و ما فیها زده اند - راستی اگر ملت وجود آنها را آیات رحمت آسمانی بشمارند و بيك بخت و اقبال خود را بدانند رواست این جمع مخصوص دست پرورده انصافند و فرزند مروت و عدل ، چکیده دیانتند و زاده شرف و سعادت همشان يك هم واحد است و نقطه خیالشان يك گوشه مخصوص که مکر با کوشش و جوش همکل ظلم را در هم شکنند و درخت عدل و مشروطیت را بارور سازند -

راستی ما تا روز شنبه ۲۳ این ماه جمادی الاولی مجلس را چنانکه باید و شاید محکم نمیدیدیم و مجلسیان را آنطور که باید نمیشناختیم خیالات دور و دراز ما را گرفتار شوائب اوهام ساخته بود و کمیت خیال را عنان از دست ما بدر رفته بهر سو میتاخت تا آنکه آنستاب حقانیت و امانت آنها از زیر ابرهای تاریک بیرون آمد چشم و دل ما روشن کرد قلب و خاطر ما را مسرور ساخت آفرینها گفتیم و احستنها خواندیم دعاها کردیم و سلامت وجود مقدس آنذوات محترم را از خالق متعال خواستیم ملت را نیز گوشزد میکنیم که قدر این اشخاص را بدانند و از خیر خواهی آنها کابلا مسبوق باشند توضیح این مقام و تشریح این اجمال آنکه از اول ماه جمادی الاولی ناله خود را بلند کردیم و از نمره سی و هشت انظار را متوجه این انقلابات و اغتشاشات که در مملکت روی داده ساختیم و با آنها حالی کردیم که ابتداء زمان حدوث این بلیات از چه روز بوده و از چه وقت شروع شده است بعد از آن در صدد پیدا کردن نقطه حقیقی انقلاب و مرکز واقعی اختلال برآمدیم و از ملت جداً درخواست نمودیم که آن نقطه فساد را پیدا کرده ما را نیز اطلاع دهند -

ملت غیور با کمال سرگرمی و دقت متوجه پیدا کردن همقلمان محترم که ستارگان آسمان سعادت ملتند در جستجوی نقطه اختلال برآمده بحث و تحقیق زیاد فرموده بعضیا آثار و شواهد از آن بدست آوردند -

و کلاء محترم ملت که بمنزله روان و جان مملکت هستند در روز شنبه صریح در مجلس مقدس این مسئله را عنوان کرده نخست جناب وکیل الرعایای همدانی زبان کو هریشان بر کشود و بایانی که کمال رقت و سلاست و دیانت از او مشهود بود نقطه اختلال را بیان کرد و صریح فرمود مملکتی منظم و کشوری آرام را بدست یکن سیردیم و سؤ ظن را بحسن ظن تبدیل کردیم اکنون هرج و مرج بیش آمده سهل است قتل و غارت شیخ و عویبت

بهم رسانیده نقلی نیست مدعی زیاد برای مشروطیت درست شده آسان است مجلس مختل گردیده کارنه داریم امروز دارد مملکت از دست می رود دیگر چه جای مدافعه و مسامحه است چرا در عزل این شخص نمیکشید و خود را و مملکترا آورده نمی نمائید تا کسی باید از حسن مراقبت و وفور کیاست گفت

بعد از آن جوهر دانش و هیکل غیرت آقا سید حسن تقی زاده داد فصاحت و حقیقت گوئی داد و چیزی فرو نگذاشت آقا میرزا فضلعلی آقا و آقا شیخ حسین آقا سید جعفر شیرازی آقا ملا حسن وارث و سایرین قتل خاموشی از زبان برداشتند و داد غیرتمندی دادند بالاخره آقا سید حسین بروجردی بان لهجه غیورانه که مخصوص ایشان است شرحی مفصل عنوان فرمود و مسئله اتحاد هیئت کابینه را بنوعیکه در نمرات سابق حبل المتین مندرج است بیان فرمود

(چنین کنند بزرگان چه کرد باید کار)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

روز شنبه ۲۳ جمادی الاولی

جناب حاجی میرزا علی آقا تبریزی و کیل خراسان یکماهه اذن مرخصی گرفت که برود از مشهد مقدس عیالاتش را بیاورد و دیگر اظهار داشت که هر گاه کسی شبهه یا ایرادی در مجلس و کیفیات آن از هر حیث داشته باشد خواهشمندم که در جرئت یا غیر آن درج نموده در کمال امتنان جواب آن را عقللا و قلا حاضریم که بنویسم

بحر العوم کرمانی اظهار داشت که بنده از جانب علماء کرمان منتخب هستم و آنچه مقدور من بود تا حال در همراهی باین اساس کوتاهی نکردم حال بواسطه یاره از پیش آمدها و کارها استند عا میکنم که بنده را معافی داشته استمفا میدهم

دو تلگرافی یکی از انجمن محلی عراق و دیگری از انجمن اتحادیه انجا قرائت شد که حاجی آقا محسن از ده دوماه باجمیت و سوار آمده بشهر و شب تاصبح مشغول بشلیک تفنگ هستند و اعضاء انجمن را تهدید بقتل میکنند مشغول قتل و غارت هستند کسی که باعث و مصدر این فتنه ها است در طهران است اگر بخواهید جلو گیری نکنید قتل و غارت زیاد خواهد شد گفته شد که چطور دولت در رفع فساد هاهما از سال اولی الدوله این طور اقدامات لازمه کرده بده روز نکشیدم رفع و دفع کرد اما حاجی آقا محسن یا دیگری که ابدا در مقام تهره و سر پیچی ار امر دولت نمیتوانند بر ایند حال چند ماه است

بظرفه و تطل میگذرد پس معلوم میشود که تمام این اغتشاشات و فتنه هاز خود دولت است چنانچه اغتشاش اردبیل و ما کو و زنجان و غیره و غیره تمامی از عدم اقدام وزراء و تحریک دولت میباشد بعضی اظهار داشتند که چند نفر شیطان صفت هستند که شب و روز دور اعلیحضرت را گرفته قلب مبارک ایشان را از مجلس آررد و شوش مینمایند و آنها مانع از اقدامات وزراء هستند (نایب السلطنه اقبال الدوله وزیر مخصوص مختار الدوله) تا اینها دور شاه هستند نمیگذارند که دولت با ملت همراه شود گفته شد همه این مطالب باز بر کشت میگذرد وزراء استئول خصوص وزیر داخله که اگر نمیتواند استعفاء بدهند و اگر نمیتواند چرا اقدام نمیکند لایحه از طرفی وزارت داخله بانلگرافی از ارفع السلطنه از سفارود قرائت شد که اشرار بتحریک ملاعلی تمام خانواده مارا آتش زدند و هستی مارا بیاد دادند آنچه بود چاییدند ماموری از طرفی دولت بیاید رسیدگی کنند وزارت داخله رجوع کرده بود بمجلس که سردار امجد علاوه بر مامور دیوانی مامور مخصوصی میخواهد از طرفی مجلس برود که تحقیق و رسیدگی شود بعضی گفتند این تلگرافی شروع است و تلگرافات و نوشتهجات بر ضد این زیاد آمده است بمجلس علاوه خود سردار امجد اعتراف کرده بود که این حرکات را خلیخالیها کرده اند نه اهالی انجا

تلگرافی از کرمان قرائت شد که تلگرافی از بعضی علماء بر ضدیت مجلس رسید بیه بود خیلی عجب است ولی اهالی کرمان جانا و مالا حاضرند در افنای معاندین مجلس و ابقی این اساس مقدس که صورت آن مرقوم میشود

(از کرمان بطهران نمره ۶۹)

حضور مبارک امنای محترم دار الشوری مای شید الله ار کانه تلگرافی از بعضی حجج الاسلام زیارت شد کاشف از ضدیت با مجلس مقدس و اظهار استبداه عجا عجا که وضع پیش آمد امروز مارا غافل باشند که طبیعت ایران و ایرانیان باجن و مال خود را برای فدائیت مجلس مقدس حاضر نموده قسمی که ضدیت و اظهار استبداد برای اهلس سنی است مهلت اهالی کرمان بافناء بعضی مستبدین بلباس میش مجداه تا آخرین نفس فدائی و در مقابل ابقاء اساس مقدس از مال گذشته يك قاشوق خون و ابا کمال شرف تقدیم دارند خادم شریعت محموره

تلگرافی از سبزوار قرائت شد که بواسطه تلگرافی شیخ فضل الله حاجی میرزا حسین جمعی را جمع کرده و با اهل انجمن در مقام مجادله و مناظره برآمده یکنفر را زخم دار کردند اگر جلو گیری نشود اسباب فتنه بزرگی خواهد شد

گفتند این چهارده تلکرای امت که چهارده لقطه
مجانا بخاربه شده است و اگر از تلکرافخانه بخوانند معلوم
میشود که کی امر کرده مجانا تلکرای کنند

مذاکره از این شد که عزل وزیر جنگ چطور
شد معلوم میشود که قوه مجلس را ضعیف دیدند که
بر احکام آن ترتیب اثر نمیکند باید این قوه را تقویت
کرد چند نفری از بزرگان و کلاء منشاء این فسادها و
انقلاب ولایات را وزیر داخله امین السلطان را دانستند
و گفتند مایک مملکت منظم را باو سپردیم و در مدت کم
مملکت را مفلوس کرد و باعث فساد شد باید جدا عزل
اورا خواست

بعد از مذاکرات زیاد در اغتشاشات همه جا بالاخره
قرار بر این شد که فردا عصر هیئت وزراء بمجلس
حاضر شوند تا سؤال و جواب شده تکلیف معین شود

(تلکرافات خارجه)

در مجلس ملی انگلیس یکی از اجزاء از وزارت خارجه
در خصوص شلیک بطرف قونسولخانه انگلیس در کرمانشاهان
استفسار نموده است وزیر معزی الیه در جواب توضیحات
دادند که شلیک ابتدا بقصد تبعه انگلیس نبوده بلکه بطرف
اشخاصی از اهل محل بوده که در قونسولخانه متحصن
شده بودند ممیزا دولت ایران اظهار کمال تأسف را از
این اتفاق ناهنجار نمود و امر بر توبیه و جلو گیری از
وقوع این قبیل حرکات در آینه صادر فرموده فقط استمدادی
که در قونسولخانه مزوره موجود است هفت نفر سوار
هندی بایک صاحب منصب آنهاست با وجود مراتب مزوره
فعلا اقدامات دیگر برای امنیت و آسایش تبعه انگلیس در
آنجا لزومی ندارد

از لندن کمانسو صدراعظم فرانسه در مجلس و کلا
اعلان نموده که موقع و وقت آن است که قوت و قدرت قانون را
در جنوب فرانسه کوش زد اهالی نمائیم باین ملاحظه احکامات
صادر شده که رؤسای شورش و اغتشاش را توقیف نمایند
یکی از اعضاء مؤید اقدامات حکومت چنین اظهار داشت
که وضع نواحی جنوب بی اندازه سخت گردیده بنحوی
که از سنه ۱۸۷۰ که جنگ فرانسه و آلمان بود تا کنون در
فرانسه انقلاب و اغتشاش باین درجه دیده نشده است
طرنها پراز قشون و استمداد بقاط مشوشه میروند در
شهر ناربون اجماع مردم از خانه ها بیرون ریخته و در
محل مشغول سنگر بندی از برای مدافعه قشون دولتی
گردیدند ولی حاکم محل که استفاداده از رؤسای این
هیجان است آنها را ماع شده و چنین نصیحت نمود که بجهت
حصول مقصود از خونریزی و اتلاف نفوس منصرف
گردیده و خود را بحق و عدالت واکذار و تسلیم مینمایم

سیو جالکسن سمت وزیر مختاری دولت امریکا
در ایران مستخب و منصوب گردید

از لندن سه نفر از اعضای معتبر انجمن
مو کاران در آرژایه دستگیر سرمازان دولتی گردیدند
ولی البر معروف باجمعی دیگر مفقود الاثرند ژنرال سهای
دولتی در همه جا در تفحص و جستجوی آنها هستند
در شهر ناربون چنانکه مذکور شد فررویل یکی از
مؤسین اغتشاش را گرفته و در موقعیکه بطرف توقف
گاه راه آهن می بردند اجماع مردم فریاد زنان عسا کر
دولتی را از سواره و پیاده که مستحفظ او بودند سنگباران
نموده بالاخره سوار نظام مجبور بیورش مردن و متفرق
کردن اهالی گردیدند

بنا بر آنکه صدر اعظم حالیه بر نکال رویه استبدادیه
مخصوصی پیش گرفته در لیسین شورش و اغتشاش سخت
بر ضد صدر اعظم بروز کرده مامورین پلیس محکوم به
رفع غائله و تفرقه مردم شدند لهذا باجماع مردم یورش
برده و پس از کشتن دو نفر و مجروح کردن بسیاری
آنها را متفرق نموده اند

ده هزار نفر سرباز دولت شهر ناربون را متصرف
و ممانع هر قسم اغتشاش اند ولی صاحب منصبان آنها را
اهلی در کوچها استهزاء و توهین مینمایند کلیه کسب
و کارها در تعطیل است و این عملات تعزیه داری و
سو گواری است

اجماع مردم میخواستند منزل نایب بایس را آتش
زنند ولی قشون در رسیده بعد از یکساعت و نیم تلاش
و کوشش آنها را متفرق نمودند

در کلیه ممالک فرانسه اظهار هم دردی و دلوسوزی
بجهت صدمات وارده بر اهالی جنوب مشاهده میشود
ولی رایشان بر آنست که این شورش و انقلاب رفع
کساد بازار شراب آنها را که باعث این تشکیات و انقلابات
است نمی کند و نخواهد کرد

در کیف (شهر روسیه) پانصد نفر از عسا کر
دولتی روس عاصی شده ولی فوراً از آنها جلو گیری شده
و رفع غائله گردید بین قشون دولتی و سربازان یاغیه
شلیک رد و بدل شد در این بین یک نفر کاپیتان و ۶۳
نفر دیگر نیز مقتول و مجروح گردیدند

انجمن اتحادیه ملت روس که حامی دولت و اعلیحضرت
امیراطوری از عریضه مبنی بر تشکر از انفصال دوما
باعلیحضرت معظم تقدیم نموده اند در جواب امیراطور
پس از اظهار تشکر چنین دستخط فرموده امید وارم که
این انجمن اتحادیه پشیمان محکم و حامی متفق مایوده
و از حیث دو لتخواهی و رعایت نظم سر مشق افراد
رعایای ما بوده باشند

حسن الحسینی الکاشانی